

سبک زندگی به چه معناست و آیا می‌توانیم نوعی سبک زندگی از سیره و سخن امامان اقتباس کنیم و سرلوحه خود قرار دهیم؟

مفهوم سبک زندگی

فاطمه یعقوبی

سبک زندگی ناظر به مسائلی است که متن زندگی انسان را در دنیا شکل می‌دهد؛ به عبارتی، وقتی از چگونگی زیستن مؤمنانه سخن می‌گویند، تمام مسائلی را که آدمی در متن زندگی با آن مواجه است، باید مدنظر قرار داد و از این‌رو گستره سبک زندگی عرصه وسیعی از رفتار آدمی با خدا، خود، خانواده، جامعه و حتی طبیعت را در بر می‌گیرد.

«سیره» در زبان عربی از ماده «سیر» است به معنی حرکت و راه رفتن. سیره بر وزن فعلی است که در این وزن، واژه بر نوع عمل دلالت می‌کند. مثلاً «جَلَسَه» یعنی نشستن و «جَلَسَه» یعنی سبک و نوع نشستن. سیر یعنی رفتن و سیره یعنی نوع و سبک رفتن. در تبیین معنای سیره به «هیئت»، «حالت»، «روش»، «رفتار»، «راه و رسم» و «سلوک» نیز اشاره شده است و در مجموع می‌توان سیره را به معنای نوع و سبک رفتار دانست. باتوجه به شناخت مفهوم سیره، وقتی از سیره امام رضا(ع) یاد می‌کنیم، به واقع در پی شناخت سبک و اسلوب رفتار امام در حوزه‌های مشخص هستیم. در سیره، پاسخ این پرسش‌ها را می‌یابیم: سبک امام در زندگی عبادی خود چگونه بود؟ سبک ایشان در معاشرت با یاران چگونه بود؟ امام با خانواده خود چگونه معاشرت داشتند؟ سبک و روش وی در رفتار با دشمنان چه بود؟ روش تبلیغی امام چه بود؟ سبک رهبری و مدیریت امام در جامعه چه بود؟ و ده‌ها سبک دیگر که در سیره بدان پاسخ داده می‌شود.

امام رضا(ع): «مهربانی با مردم نیمی از عقل است.» سبک زندگی اسلامی و عقل معاش، توجه به اجرای اسلام با همه ابعاد آن در تمام عرصه‌های زندگی آدمی است و می‌توان در دسته‌بندی مشخص و با ملاحظه ارتباطات سه‌گانه انسان با خدا و خود و خلق، زندگی مؤمنانه‌ای ساخت و با تکیه بر متن سخن و سیره معصومان(ع) شیوه زیستن را مشق کرد.

ارتباط سیره و سبک زندگی

وقتی از سیره امام رضا(ع) صحبت می‌شود، منظور چیست و چه ارتباطی با سبک زندگی ممکن است داشته باشد؟

سبک زندگی با مفهوم عقل معاش که همان «شیوه زیستن» است، یکسان است؛ یعنی عقلی که به انسان می‌گوید چطور باید زندگی کرد. کارکرد این عقل در راستای چگونگی تدبیر زندگی، چاره‌اندیشی درباره مشکلات زندگی، تلاش برای هماهنگی با قوانین شرعی و سازگاری با آنها در سامان‌دهی زندگی مناسب و مطلوب قرار دارد تا انسان را به حیات مؤمنانه رهنمون کند. این نوع عقل در این احادیث همان عقل معاش است: «بهترین دلیل بر زیادتی عقل، حُسن تدبیر است.» نیز بنگرید به این سخن



نقش سازنده الگوها در زندگی

نقش الگوهای دینی در زندگی ما چیست؟ قرآن در این باره چه فرهنگی را ترویج می‌کند؟

هر انسان مؤمنی برای دستیابی به زندگی معیار، در پی یافتن الگویی پسندیده است تا خود را با او مقایسه کند و زندگی خویش را با رنگ آن بیارید. الگوخواهی و قهرمان پرستی، ریشه در ارزش پرستی آدمی دارد. خداوند متعال در قرآن درباره حضرت ابراهیم(ع) می‌فرماید: «قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ؛ (ممتحنه: ۴) (برای شما سرمشق خوبی در زندگی ابراهیم وجود داشت). زمانی که هجرت پیامبر(ص) از مکه به مدینه و خوابیدن امیرمؤمنان(ع) به جای حضرت در لیلۃ‌المیت تبیین می‌شود، قرآن به ایشار و اخلاص این جوان نمونه اشاره می‌کند: «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتٍ لِّلَّهِ وَاللَّهُ زَوْفٌ بِالْعِبَادِ» (و بعضی دیگرند که جان خود را در برابر خشنودی‌های خدا می‌فروشند و خدا به بندگان رؤف است). (بقره: ۲۰۷)

با دقت به شخصیت امیرمؤمنان(ع)، متوجه می‌شویم الگوگیری او از مرادش حضرت محمد(ص) مثال زدنی و بی‌نظیر است. حضرت علی(ع) می‌فرمودند: «من همواره در پی او می‌رفتم؛ همچون بچه شتری که در پی مادر رود و او هر روز یکی از صفات پسندیده‌اش را بر من آشکار می‌کرد و مرا می‌فرمود که بدان اقتدا کنم.»

همچنین «ابرار» نامیدن حضرت علی(ع) و حضرت فاطمه(س) در قرآن، درخور توجه است. زوج جوانی که در سه شب متوالی، افطار خود را به مسکین و یتیم و اسیر دادند: آن بندگان، نیکو به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از قهر خدا در روزی که شر و سختی‌اش همه اهل محشر را فرا گیرد، می‌ترسند و (می‌گویند) برای دوستی خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم. (انسان: ۷-۸)

پیروی از سیره

آیا می‌توانیم با مطالعه سیره حضرت رضاع(ع) از آن الگو بگیریم؟ طبیعی است که امکان استفاده از سیره و منش پیشوایان معصوم(ع) برای همگان فراهم است. پس موظفیم همچون تاسی به پیامبر(ع)، در گفتار و رفتار از امام نیز بهره بگیریم. خداوند می‌فرماید: «لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم الآخر». (احزاب: ۲۱)

وجود پیغمبر و اوصیای پس از او، کانونی است که ما از آن باید روش زندگی را استخراج کنیم. رفتار معصومان آن قدر عمیق است که از جزئی‌ترین کار ایشان می‌توان قوانین زندگی را استخراج کرد. یک کار و رفتار کوچک معصوم همچون چراغ، شعله و نوری است که مسافت‌های بسیار دور را به انسان نشان می‌دهد. آیت‌الله شهید مرتضی مطهری در این باره می‌نویسد: «ما ظلمی نظیر ظلمی که در مورد قرآن کرده‌ایم، در مورد سیره پیغمبر و ائمه اطهار کرده‌ایم. سیره انبیا و اولیا و مخصوصاً سیره پیغمبر اکرم و ائمه معصومین را برداشتیم، به طاق آسمان کوبیدیم، گفتیم: او که پیغمبر است. نتیجه‌اش این است که اگر یک عمر برای ما تاریخ پیغمبر بگویند، برای ما درس نیست و مثل این است که مثلاً بگویند فرشتگان در عالم بالا چنین کردند. خب فرشتگان کردند به ما چه مربوط؛ یعنی این منبع شناخت را هم از ما گرفتند. در صورتی که اگر این جور می‌بود، خدا به جای پیغمبر فرشته می‌فرستاد. پیغمبر یعنی انسان کامل، علی یعنی انسان کامل، حسین یعنی انسان کامل، زهرا یعنی انسان کامل؛ یعنی مشخصات بشریت را دارند با کمال عالی مافوق ملکی؛ یعنی مانند یک بشر گرسنه می‌شوند غذا می‌خورند، تشنه می‌شوند آب می‌خورند، احتیاج به خواب پیدا می‌کنند، بچه‌های خودشان را دوست دارند، غریزه جنسی دارند، عاطفه دارند و لهذا می‌توانند مقتدا باشند. اگر این جور نبودند، امام و پیشوا نبودند.»

آنچه در زندگی امام رضاع(ع) همچون سایر معصومان(ع) کاملاً آشکار است و می‌توان به آن به‌عنوان محوری در الگوگیری تکیه کرد، این است که خلق و خوی امام(ع) مانند سخن و دینشان جامع و همه‌جانبه بود. امام در همه ابعاد انسانی در حد کمال و تمام بودند. غیاث‌الدین شافعی معروف به خواند میر (وفات: ۹۴۲) در وصف امام چنین می‌سراید:

سپهر عز و جلالت محیط علم و فضیلت
امام مشرق و مغرب ملاذ آل پیمبر
وفور علم و علو مکان اوست به حدی
که شرح آن نتوان نمود کلک سخنور
قلم اگر همگی وصف ذات او بنویسد
حدیث او نشود در هزار سال مکرر